

متن پرسش

سلام علیکم: در نوشته های شهید آوینی به یکی از مفاهیمی که اشاره می شود؛ مبنای تاریخ نگاری امروز است. تاریخ تمدن بر مبنای سیر تکاملی ساخت ابزار و آن هم برای تمتع هر چه بیشتر انسان ها از طبیعت و مادیات نوشته شده است. اما شهید آوینی می گوید باید تاریخ بر مبنای تحولات باطنی انسان و رجوع انسان به آغاز آغازها و معاد، همچنین تحقق عهد الهی نوشته شود یعنی تاریخ هدایتگری بشر به خدا و خالق سبحان، تاریخ دین، تاریخ انبیا. با این مقدمه، سوالم اینه که اولاً آیا مقولاتی از جنس تحولات باطنی انسان ها خیلی قابلیت الصاق تاریخ رو دارن و مثلاً واقعا کسی بخواهد تاریخ تحولات باطنی بنویسد آیا یک کتابی که بیشتر شبیه کتاب اخلاق یا عرفان باشد بدست نمی آید؟ و اینکه آیا طرحی مثل طرح گایست هگل در نسبت با فلسفه تاریخ سازی که مبتنی بر سه اصل جبرگرایی، تاریخی گرایی و انتقال گرایی (ویژه انتقال قدرت) است، با چنین مبنایی مثل مبنای شهید آوینی و حتی انگاره های دینی تطابق و قابلیت سازگاری دارد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: هنرِ هگل در فهم تاریخی است که روحی در آن در جریان و جریان است. برای فهم سخن شهید آوینی از یک طرف توجه به سخن هگل کمک می کند و از آن مهم تر اشاراتِ دعای ندبه، که در واقع همان سخن شهید آوینی است و در همین راستا کتاب «شرح دعای ندبه» تنظیم شد. موفق باشید